



بِسْمِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده آیین دادرسی مدنی



مؤلفان:
محسن رفعتی- محمد امامی

انتشارات چتر دانش

دانش‌پژوه گرامی
لطفاً قبل از مطالعه کتاب به درست‌نامه
مندرج در انتهای کتاب مراجعه کنید.

- سرشناسه: رفعتی، محسن، ۱۳۶۵ -
- عنوان و نام پدیدآور: ۱۰۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده آیین دادرسی مدنی
- مشخصات نشر: تهران: چتر دانش، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری: ۵۸۸ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س.م.
- شابک: ۷-۱۹۶-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر
- شناسه افزوده: امامی، محمد، ۱۳۶۷ -
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۲۱۶۱۳

- نام کتاب: ۱۰۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده آیین دادرسی مدنی
- ناشر: چتر دانش
- مؤلفان: محسن رفعتی - محمد امامی
- نوبت و سال چاپ: دوم - ۱۳۹۸
- شمارگان: ۱۰۰۰
- شابک: ۷-۱۹۶-۴۱۰-۶۰۰-۹۷۸
- قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرترفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

۸	مقدمه
۱۰	◆ سوالات
۱۱	کلیات
۱۳	فصل دوم: دعوی و شرایط اقامه دعوی
۱۳	شرایط اقامه دعوی
۲۵	انواع دعاوی
۳۵	دعاوی مالی و غیرمالی
۳۶	صلاحیت مراجع حقوقی
۵۳	دفاع (پاسخ‌های خوانده)
۵۶	دعوی متقابل
۵۸	اقامه دعوا، دادرسی و تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها
۷۰	جریان دادخواست تا جلسه دادرسی
۷۱	مواعد
۷۴	ابلاغ و آثار دادخواست
۸۰	آثار دادخواست
۸۱	اظهار نامه
۸۲	دادرسی
۸۳	جلسه دادرسی
۸۶	اولین جلسه دادرسی و حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در آن
۹۰	تجدید جلسه
۹۲	تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها، انواع و آثار آن
۹۲	توقیف و ختم دادرسی
۹۵	قرارها
۱۰۳	اعمال (تصمیمات) حسبی

۱۰۴ طرق شکایت از آراء
۱۰۴ طرق عادی شکایت از آراء
۱۰۴ واخواهی
۱۱۰ تجدیدنظرخواهی
۱۲۱ طرق فوق العاده شکایت از آراء فرجام
۱۳۲ اعاده دادرسی
۱۳۸ اعتراض شخص ثالث
۱۴۴ کلیات عمومات ادله اثبات دعوا
۱۴۵ اقرار
۱۶۶ گواهی
۱۷۰ معاینه محل و تحقیق محلی
۱۷۳ رجوع به کارشناسی
۱۷۶ سوگند
۱۸۰ نیابت قضائی
۱۸۲ تأمین خواسته و دستور موقت و تأمین دلیل
۱۹۴ تأمین دلیل
۱۹۷ اظهارنامه
۲۰۱ داوری
۲۰۸ سازش
۲۱۱ شورای حل اختلاف
۲۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی
۲۲۶ قانون حمایت خانواده
۲۳۳ سوالات تکمیلی
۲۳۸ قانون امور حسبی
۲۴۲ قانون دیوان عدالت اداری
۲۵۱ قانون اجرای احکام مدنی

۲۵۷	◆ پاسخنامه تشریحی.....
۲۵۸	کلیات
۲۶۲	فصل دوم: دعوی و شرایط اقامه دعوی.....
۲۶۴	شرایط اقامه دعوی
۲۷۵	انواع دعاوی.....
۲۸۳	دعاوی مالی و غیرمالی
۲۸۳	صلاحیت مراجع حقوقی.....
۳۰۱	دفاع (پاسخ‌های خوانده).....
۳۰۵	دعوی متقابل
۳۰۷	اقامه دعوا، دادرسی و تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها
۳۱۷	جریان دادخواست تا جلسه دادرسی.....
۳۲۰	مواعد
۳۲۱	ابلاغ و آثار دادخواست.....
۳۲۶	آثار دادخواست.....
۳۲۸	اظهارنامه
۳۲۹	دادرسی
۳۳۱	جلسه دادرسی
۳۳۳	اولین جلسه دادرسی و حقوق و تکالیف اصحاب دعوا در آن.....
۳۳۷	تجدید جلسه
۳۳۹	توقیف و ختم دادرسی
۳۴۰	تصمیمات (اعمال) دادگاه‌ها، انواع و آثار آن
۳۴۳	قرارها
۳۴۹	اعمال (تصمیمات) حسبی
۳۵۰	طرق شکایت از آراء
۳۵۰	طرق عادی شکایت از آراء.....
۳۵۰	واخواهی.....

تجدید نظر خواهی.....	۳۵۴
طرق فوق العاده شکایت از آراء فرجام.....	۳۶۴
اعاده دادرسی.....	۳۷۳
اعتراض شخص ثالث.....	۳۷۹
کلیات عمومات ادله اثبات دعوا.....	۳۸۳
اقرار.....	۳۸۴
گواهی.....	۴۰۸
معاینه محل و تحقیق محلی.....	۴۱۵
رجوع به کارشناسی.....	۴۲۰
سوگند.....	۴۲۷
نیابت قضائی.....	۴۳۴
تأمین خواسته و دستور موقت و تأمین دلیل.....	۴۳۷
تأمین دلیل.....	۴۶۳
اظهارنامه.....	۴۶۸
داوری.....	۴۷۷
سازش.....	۴۹۲
شورای حل اختلاف.....	۴۹۵
قانون نحوه اجرای محکومیت مالی.....	۵۱۱
قانون حمایت خانواده.....	۵۱۹
پاسخنامه سؤالات تکمیلی.....	۵۳۳
قانون امور حسبی.....	۵۴۲
قانون دیوان عدالت اداری.....	۵۴۹
قانون اجرای احکام مدنی.....	۵۶۴
آزمون وکالت ۹۸.....	۵۷۳
درستنامه.....	۵۸۷

سخن مؤلف

بی‌تردید فراگیری آیین دادرسی مدنی برای یک فرد حقوقی به همان اندازه مفید و ضروری است که فراگیری آیین زندگی برای هر شخصی به جهت زندگی و ادامه آن مفید و ضروری است. یک وکیل زمانی می‌تواند عملکرد خوب و مثبتی داشته باشد که نه تنها به قوانین ماهوی بلکه مهم‌تر از آن به قوانین شکلی مشرف و مسلط باشد و بتواند در زمان‌های مورد نیاز آنها را به کار گیرد؛ به همین دلیل است که ضریب آزمون این درس همانند حقوق مدنی در مقایسه با دروس دیگر از ضریب بالایی برخوردار است.

در مجموعه پیش رو، تلاش شده تا تمامی مباحث مربوط به مطالب آزمون مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که دانشجو صرفاً با مطالعه این کتاب بتواند به درصد قابل توجهی از سوالات آزمون پاسخ دهد.

با توجه به اینکه منبع آزمون مهم آزمون‌های وکالت، قضاوت، کارشناسی ارشد و... در آیین دادرسی مدنی، از مجموعه کتاب‌های ارزشمند استاد گرانقدر و گرانمایه دکتر عبدا.. شمس است، بیشتر مطالب کتاب حاضر نیز از مطالب ارزشمند آن استاد بزرگوار اقتباس گردیده است؛ همچنین سرفصل‌های کتاب نیز به منظور یک پارچگی و هماهنگی با کتاب‌های عنوان شده و عدم سردرگمی دانشجو، همانند سرفصل‌های ایشان طراحی شده است، با این تفاوت که ابتدا دعوا و شرایط اقامه آن، به علت کم‌اهمیت‌تر بودن مطالب ابتدایی جلد اول از نظر آزمون، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ سپس و لابه‌لای مطالب، قوانین متفرقه از جمله قانون شورای حل اختلاف جدید، قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری جدید و قانون اجرای احکام مدنی بحث و بررسی شده است.

در آخر بر خود لازم می‌دانم از دوست عزیز و گرامی جناب آقای محمد امامی که در آزمون وکالت ورودی سال ۱۳۹۶ توانستند رتبه ۸ کانون وکلای مرکز را به خود اختصاص دهند و در تدوین و نگارش این کتاب به مؤلف یاری می‌رسانند تشکر ویژه و قدردانی خویش را ابراز کنم.

امید آنکه کتاب حاضر بتواند نیازهای دانشجویان عزیز را در نیل به اهداف عالی‌شان تأمین کند.

چنانچه نسبت به کتاب حاضر نقد یا پیشنهادی یا ... باشد علاقمندان می‌توانند با lawyer20@chmail.ir حساب کاربری تلگرام و یا به نشانی ایمیل lawyer20@chmail.ir در تماس باشند.

محسن رفعتی - خرداد ۹۶

سؤالات

کلیات

۱ رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در مرجع کیفری برای مطالبه

ضرر و زیان ناشی از جرم در چه مواردی ضروری است؟

(الف) فقط از جنبهٔ پرداخت هزینهٔ دادرسی رعایت می‌شود.

(ب) فقط در نوع رسیدگی رعایت می‌شود.

(ج) اصولاً در طرح، دفاع و رسیدگی رعایت می‌شود.

(د) در تمام دعاوی در طرح، دفاع و رسیدگی رعایت می‌شود.

۲ با توجه به قانون آیین دادرسی مدنی که رسیدگی به امور حسبی را

تابع تشریفات قانون مذکور دانسته است کدام یک از گزینه‌های زیر

صحیح است؟

(الف) رسیدگی به امور حسبی در تمام موارد تابع تشریفات قانون آیین

داورسی مدنی است.

(ب) رسیدگی به امور حسبی اصولاً تابع تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی است.

(ج) رسیدگی به امور حسبی در تمام موارد تابع تشریفات قانون امور حسبی است.

(د) رسیدگی به امور حسبی اصولاً تابع تشریفات قانون امور حسبی است.

۳ کدام یک از گزینه‌ها در رسیدگی شورای حل اختلاف صحیح است؟

(الف) رسیدگی شورای حل اختلاف تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

(ب) رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین

داورسی مدنی و کیفری است.

(ج) مقررات ناظر به صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینهٔ دادرسی، تابع

قانون شورای حل اختلاف است.

(د) تمام موارد صحیح است.

۴ قوانین آیین دادرسی مدنی از قوانین امری است یا تخییری (تکمیلی)؟

(الف) مقررات مربوط به سازمان قضاوتی، امری، و مقررات مربوط به صلاحیت

ذاتی، امری است.

(ب) مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی، امری، ولی مقررات مربوط به سازمان

قضاوتی تخییری است.

- ج) مقررات مربوط به صلاحیت محلی و مقررات آیین دادرسی مدنی به معنی اخص علی‌الاصول تخییری است.
- د) مقررات آیین دادرسی مدنی به معنی اخص، امری و مقررات مربوط به صلاحیت محلی تخییری است.

۵ آیا قوانین آیین دادرسی مدنی عطف به‌ماسبق می‌گردند؟

- الف) مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و مقررات مربوط به صلاحیت (ذاتی و محلی) عطف به‌ماسبق می‌شوند.
- ب) مقررات مربوط به سازمان قضاوتی و مقررات مربوط به صلاحیت (ذاتی) عطف به‌ماسبق می‌شوند.
- ج) مقررات مربوط به صلاحیت (محلی) عطف به‌ماسبق می‌شوند. برخلاف مقررات مربوط به صلاحیت (ذاتی).
- د) قوانین آیین دادرسی مدنی به معنی اخص، مثل زایل شدن شکایت از حکمی عطف به‌ماسبق می‌گردد و اثر فوری دارد.

۶ در صورتی که صلاحیت رسیدگی به افراز ملک مشاع در مواردی که افراز ملک در صلاحیت اداره ثبت است از صلاحیت این اداره خارج و در صلاحیت دادگاه عمومی قرار گیرد مقررات مربوط به آن عطف به‌ماسبق می‌شود؟

- الف) عطف به‌ماسبق می‌شود.
- ب) اصولاً عطف به‌ماسبق می‌شود.
- ج) عطف به‌ماسبق نمی‌شود.
- د) فقط در مواردی که در قانون تصریح شده باشد عطف به‌ماسبق می‌شود.

۷ چنانچه به‌موجب قانون مؤخر آیین دادرسی مدنی قابلیت تجدیدنظر خواهی از حکمی زایل شود، این قانون، عطف به‌ماسبق می‌شود؟

- الف) عطف به‌ماسبق می‌شود.
- ب) عطف به‌سبق نمی‌شود.
- ج) به‌علت امری بودن مقررات آیین دادرسی مدنی به معنای اخص عطف به‌ماسبق می‌شود.
- د) به‌علت مخالفت با حقوق مکتسبه اشخاص عطف به‌ماسبق نمی‌شود.

فصل دوم: دعوی و شرایط اقامه دعوی

ویژگی‌های دعوی خصوصی عبارتند از:

- (الف) قابل انتقال، قابل صلح، قابل استرداد و قابل ارجاع به داوری
 (ب) قابل انتقال، قابل صلح، قابل استرداد و غیر قابل ارجاع به داوری
 (ج) قابل انتقال، قابل صلح، غیر قابل استرداد و قابل ارجاع به داوری
 (د) غیر قابل انتقال، قابل صلح، قابل استرداد و قابل ارجاع به داوری

در کدام یک از موارد زیر دعوی منتقل نمی‌شود؟

- (الف) طلاق و تمکین
 (ب) الزام به تنظیم سند رسمی
 (ج) خلع ید
 (د) مطالبه مهریه

در کدام یک از موارد زیر دعوی زائل نمی‌شود؟

- (الف) با صدور حکم نهایی
 (ب) با زوال حق اصلی
 (ج) با صدور قرار سقوط دعوی
 (د) با صدور قرار رد دعوی

چنانچه پدری از فرزند خود طلبکار باشد با فوت پدر، به چه علت حق

پدر نسبت به فرزند جزئاً یا کلاً از بین می‌رود؟

- (الف) حق پدر از بین نمی‌رود.
 (ب) فرزند مالک مافی الذمه خود شده است.
 (ج) حق اصلی قائم به شخص بوده و دارای ویژگی منحصر شخصی است.
 (د) زوال دعوی به معنای اخص، سبب زائل شدن دعوا به معنی اعم می‌گردد.

شرایط اقامه دعوی

شرایط اقامه دعوی از نظر اکثریت حقوقدانان مبتنی بر؟

- (الف) وجود حقی منجز، حق احراز سمت، وجوب اهلیت
 (ب) تقدیم دادخواست، وجود حقی منجز، وجود نفع، احراز سمت، وجوب اهلیت
 (ج) تقدیم دادخواست، وجود نفع، احراز سمت، وجوب اهلیت
 (د) وجود نفع، احراز سمت، وجوب اهلیت

کلیات

۱ گزینه ج اصولاً برای کشف جرائم، تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی به امور کیفری و صدور رای و... در امور کیفری مستلزم رعایت قواعد آیین دادرسی کیفری است؛ لکن مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم علی القاعده مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است، مگر در مواردی استثنائی مثل سرقت و تصرف عدوانی یا کلاهبرداری متضرر از جرم برای احقاق حق خصوصی خویش تکلیفی به تقدیم دادخواست در پرونده کیفری ندارد. ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص بیان می‌کند «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را برای پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.» (دکتر عبدا.. شمس، آیین دادرسی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۱۵ و ۱۶)

ماده ۵۵۹ (اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴) قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص نیز خواندنی است. ماده ۵۵۹ می‌گوید: «شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تأدیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می‌کند، باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می‌کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می‌شود و هرگاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می‌تواند او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به‌طور موقت معاف نماید. رسیدگی به امر کیفری را نمی‌توان به‌علت عدم تأدیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی به تأخیر انداخت.»

۲ گزینه د ماده ۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ مجلس شورای ملی با اصلاحات بعدی آن می‌گوید: «امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی

به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌ها باشد.» همچنین براساس ماده ۲ همان قانون «رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد.» ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی نیز می‌گوید: «آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امورحسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه‌های عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.» رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی اصولاً در امور ترفعی لازم‌الرعایه است و نه امور حسبی که متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌هاست.» (دکتر عبدا.. شمس، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۱۶ و ۱۷)

۳ گزینه د مطابق مواد ۱۸ و ۱۹ قانون شوراها حل اختلاف (مصوب ۱۳۹۴/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی)

ماده ۱۸: «رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد، تابع مقررات قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

تبصره ۱- اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است.

تبصره ۲- مقررات ناظر به صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، از حکم مقرر در این ماده مستثنی و تابع این قانون است.»

ماده ۱۹: «رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.»

۴ گزینه الف صلاحیت به دو دسته عام تقسیم بندی می‌شود:

الف) صلاحیت ذاتی: صلاحیت وقتی ذاتی است که محاکم را از حیث صنف (اداری- قضایی)، نوع (عمومی- اختصاصی) و درجه (نخستین- عالی) تقسیم کنیم. مثلاً دادگاه عمومی در صنف قضایی در نوع عمومی و در درجه نخستین است. قواعد مربوط به صلاحیت ذاتی از قواعد آمره بوده و توافق برخلاف آن امکان ندارد. هرگاه دادگاه خود را فاقد صلاحیت ذاتی تشخیص دهد باید با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت‌دار ارسال نماید.

ب) صلاحیت وقتی محلی است که شایستگی دادگاه‌ها را از حیث قلمرو جغرافیایی و محلی تقسیم نماییم. در شهرهای بزرگ با تصویب رئیس قوه قضائیه، حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل ناحیه، مجتمع تقسیم شده است که برحسب گستردگی شهرستان مزبور تعداد این نواحی و مجتمع‌های قضایی متفاوت است و نظر به اینکه تمام اینها در یک حوزه قضایی قرار دارند، لذا تمام آن‌ها، صرف نظر از نوع دعاوی و تجربه و تبخّر قضات، در واقع در حکم دادگاه محل اقامت خوانده می‌باشند و اصولاً دعوا در هر کدام از آن‌ها مطرح گردد، خوانده حق ایراد به صلاحیت محلی دادگاه را نخواهد داشت و دادگاه هم بالطبع، نباید مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت و در نتیجه خودداری از رسیدگی نماید؛ چه تقسیم‌بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل ناحیه یا مجتمع، تغییری در صلاحیت دادگاه مستقر در آن حوزه نمی‌دهد و تمام واحدهایی مزبور در حکم یک دادگاه هستند (ماده ۱۱ ق.آ.د.م. ۷۹ و تبصره آن) قواعد صلاحیت نسبی برای مصالح خصوصی افراد در نظر گرفته شده است و فاقد خصیصه نظم عمومی است و علی القاعده انحراف از آن به تراضی اصحاب دعوا می‌بایست جایز باشد. گزینه (د) به این جهت غلط است که مقررات مربوط به صلاحیت محلی علی الاصول تخییری؛ و نه کاملاً تخییری است. (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به دکتر عبدا. شمس، آیین دادرسی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۲۳ و ۲۴)

۵ گزینه ب عطف به ماسبق در اصطلاح حقوقی به حالتی گفته می‌شود که افعال پیش از تصویب یک قانون مشمول قوانین تازه تصویب شوند. اثر قانون نسبت به آینده است و نسبت به ماقبل از خود اثری ندارد مگر این‌که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع پیش‌بینی شده باشد. (ماده ۴ قانون مدنی) با توجه به این‌که هدف از وضع مقررات آیین دادرسی، تدوین مقرراتی است که اشخاص با رعایت آن‌ها سریع‌تر و مطمئن‌تر به حقوق خود دست یابند؛ قانون‌گذار در هر زمانی که حذف، اصلاح یا وضع قوانین جدید را در جهت وصول به این هدف لازم بداند اقدام به انجام این امور می‌نماید. به همین دلیل است که قوانین آیین دادرسی نسبت به قوانین ماهوی از ثبات کمتری برخوردار است و دچار تغییر و تحولات بیشتری می‌گردد، زیرا هدف آن رسیدگی سریع‌تر به دعاوی است. پس هرگاه راه جدیدتر و بهتری کشف شد باید راه‌های قبلی را حذف یا

اصلاح نمود. در صورت تغییر مقررات آیین دادرسی، این مقررات اثر فوری دارند یعنی این قوانین به محض تصویب شدن، در دعاوی مطروحه اجرا می‌شود. مقررات مربوط به مراجع قضایی عطف به ماسبق می‌شوند و در خصوص دعاوی در حال رسیدگی نیز لازم‌الاجرا هستند. مثلاً جلسات دادگاه تجدیدنظر با حضور حداقل دو قاضی رسمی می‌شود. چنانچه قانونی تصویب شود که به موجب آن، جلسات دادگاه تجدیدنظر با حضور یک قاضی رسمیت یابد، پرونده‌های در حال بررسی در جلسات دادگاه تجدیدنظر، با حضور یک قاضی نیز رسمی خواهد بود. مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شود و شامل دعاوی مطروحه نیز می‌گردد. مثلاً در صورتی که رسیدگی به دعوی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی باشد اما با تشکیل دادگاه‌های اختصاصی، رسیدگی به این دعاوی در صلاحیت این دادگاه‌ها قرار بگیرد؛ دعوایی که تا آن زمان در دادگاه‌های عمومی اقامه شده و منتهی به صدور رأی نگردیده، به این مرجع اختصاصی فرستاده می‌شود. قوانین مربوط به صلاحیت نسبی اصولاً عطف به ماسبق نمی‌شود، مگر این که در خود این قوانین یا قانون دیگری خلاف این امر مقرر شود. مقررات آیین دادرسی به معنای اخص، عطف به ماسبق می‌شود، مگر در مواردی که عطف به ماسبق نمودن آن‌ها به حقوق مکتسبه اشخاص خللی وارد نماید. مثلاً چنانچه مهلت شکایت از حکمی یک ماه بوده و برابر قانون جدید به بیست روز کاهش پیدا کرده است، این قانون عطف به ماسبق نمی‌شود؛ بنابراین شامل احکامی که در زمان قانون قدیم صادر شده است نمی‌شود. زیرا مهلت شکایت یک ماهه، حقی بوده که برای شخص به وجود آمده و قانون جدید نمی‌تواند این حق را از اشخاص بگیرد.» (همچنین در این باره نگاه کنید به دکتر عبدا.. شمس، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۲۶ و ۲۷)

گزینه الف مقررات مربوط به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق می‌شوند، موردی که عنوان شد مربوط به صلاحیت ذاتی مراجع قضات است. (همچنین در این خصوص به توضیحات سؤال قبل نگاه کنید).

گزینه د مقررات آیین دادرسی مدنی به معنی اخص اصولاً اثر فوری دارند مگر در مواردی که به حقوق مکتسبه افراد خللی وارد آید. (همچنین در این خصوص به پاسخ سؤال ۵ نگاه کنید).

فصل دوم: دعوی و شرایط اقامه دعوی

۸ گزینه الف دو اصطلاح دعوی عمومی و دعوی خصوصی بیشتر در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات مطرح است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۹ چنین مقرر کرده است «ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود:

الف- دعوی عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی
ب- دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه دیده است مانند حد قذف و قصاص»
(همچنین در این باره نگاه کنید به دکتر عبدا.. شمس، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۲۷۸ و ۲۷۹)

۹ گزینه الف براساس ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی «هرگاه یکی از اصحاب دعوا فوت نماید یا محجور شود یا سمت یکی از آنان که به موجب آن سمت، داخل دادرسی شده زایل گردد، دادگاه، رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر اعلام می‌دارد. پس از تعیین جانشین و درخواست ذی نفع، جریان دادرسی ادامه می‌یابد، مگر اینکه فوت یا حجر یا زوال سمت یکی از اصحاب دعوی تأثیری در دادرسی نسبت به دیگران نداشته باشد، که در این صورت دادرسی نسبت به دیگران ادامه خواهد یافت.» فرض کنیم (احمد)، دادخواست مطالبه مبلغ ۳۵ میلیون تومان علیه (علی) طرح و اقامه می‌کند و (علی) خوانده پرونده در حین دادرسی، فوت می‌کند. در این حالت دادگاه مراتب را به خواهان (احمد) اطلاع می‌دهد و خواهان مکلف است ورثه او را به دادگاه معرفی کند و پس از معرفی ورثه و با درخواست خواهان، محاکمه ادامه پیدا می‌کند. در واقع، در مورد بالا با فوت علی (ذی حق) چون حق اصلی (مطالبه وجه) به ورثه منقل می‌شود، حق اقامه دعوی نیز به تبع حق اصلی به ورثه منقل می‌گردد، اما در مواردی حق اصلی و به تبع آن حق اقامه دعوی مختص و قائم به خود شخص است، در این صورت با فوت شخص نمی‌توان اجازه اقامه یا دنبال نمودن دعوی را به ورثه یا منقل الیه داد؛ به عبارت دیگر، حق اقامه یا دنبال نمودن دعوی عقیم می‌گردد، مثل دعوی طلاق که با فوت یکی

از زوجین عملاً طرح دعوی مذکور عقیم می‌گردد.» (همچنین در این باره نگاه کنید به دکتر عبدا. شمس، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۲۸۰ و ۲۷۹)

گزینه ۵ دعوا به مفهوم اخص: توانایی قانونی مدعی حق تزییع یا انکار شده است در مراجعه به مقام صالح قضایی برای به قضاوت گذاشتن وارد بودن یا نبودن ادعا و آثار قانونی آن و همچنین برای طرف مقابل توانایی مقابله با آن است. دعوا به مفهوم اعم: به معنی منازعه و اختلافی است که حادث شده و در مرجع قضایی مطرح و تحت رسیدگی می‌باشد. در این مفهوم (عام) دعوا زمانی ایجاد می‌شود که در مفهوم اخص خود به وجود آمده است و دارنده آن را اعمال کرده و در معرض رسیدگی قرار گرفته باشد.

زوال دعوی

در موارد زیر دعوا زایل می‌شود:

۱- ممکن است پیامد زوال حق اصلی باشد:

الف- زوال حق ممکن است ارادی باشد: مثل اینکه صاحب حق، از حق و امتیازی که دارد به‌طور ارادی بگذرد. (داین به اختیار از گرفتن طلبش از مدیون بگذرد (۲۸۹ق.م.) مثل ابراء و اعراض)

ب- زوال حق ممکن است قهری باشد و بدون اراده صاحب حق. مثل اینکه پدری از پسرش طلب دارد که بعد از مرگ پدر صفت داین و مدیون در پسر جمع می‌شود. و حق پدر به همان اندازه که پسر از او ارث می‌برد زایل می‌شود. (ق.م. ۳۰۰) = مالکیت فی ذمه یا با مرگ پدر طلب پدر به وارث منتقل می‌شود.

ج و ۲- در موارد استثنائی با فوت هر یک از آنان، حق و دعوا زایل می‌شود. مثل: طلاق و تمکین و انفاق

۳- حکم قطعی: زوال دعوا به مفهوم اخص معمولاً نتیجه حکم قطعی است که اختلاف را فصل می‌کند. در برخی موارد حکم قطعی نیز قابلیت اعاده دادرسی و اعتراض ثالث را دارد بنابراین بهتر است به جای قطعی بودن حکم از «نهایی بودن آن» استفاده کنیم.

۴- صرف نظر کردن. در صورتی که خواهان براساس بند ج ماده ۱۰۷ از دعوی

خود به کلی صرف نظر کند، قرار سقوط دعوی صادر می‌شود که با صدور آن خواهان حق اقامه مجدد دعوی را ندارد.

۵- دعوا به مفهوم اعم هم با استرداد دعوا زایل می‌شود، ولی این زوال به خودی خود موجب زوال دعوا به مفهوم خاص نمی‌شود. (قرار رد دعوی- ماده ۸۴ ق.آ.د.م) (همچنین در این باره نگاه کنید به دکتر عبدا.. شمس، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ سی و پنجم، صفحات ۲۷۶ تا ۲۸۱)

۱۱ گزینه ب زوال حق در برخی موارد قهری است، در صورتی که پدری از فرزند خود طلبکار بوده و فوت نماید اصطلاحاً فرزند مالک ما فی ذمه خود (معنی ما فی الذمه: آنچه بر عهده کسی است) شده است، هرگاه پسر وارث منحصر پدر باشد تمام تعهدات به علت مالکیت مافی‌الذمه ساقط و در غیر این صورت تعهد به نسبت سهم الارث او از اموال مورث ساقط خواهد شد.

شرایط اقامه دعوی

۱۲ گزینه د برای اینکه یک دعوی حقوقی (دادخواست) مطرح شود شرایطی لازم است. بین دکتترین حقوقی در خصوص این موضوع اختلاف وجود دارد، اما آنچه که مسلم است برای اقامه هر دعوایی وجود نفع و داشتن سمت (اصیل، قائم مقام، نماینده) در ارائه دادخواست و مهم‌تر از همه اهلیت داشتن ذی نفع ضروری است، شخصی که اقامه دعوی می‌کند در صورتی دارای اهلیت قانونی است که مطابق ماده ۲۱۱ ق.م. بالغ، عاقل و رشید (دعاوی مالی) باشد. در غیر این صورت طبق ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه قرار رد دعوی صادر می‌کند. به نظر برخی از حقوق دانان، تقدیم دادخواست از جمله شرایط اقامه دعوی است. (مدنی، سید جلال الدین، آیین دادرسی مدنی؛ ج ۱ ص ۴۰۸)

۱۳ گزینه ج شرایط نفع

نفع باید موجود و محقق، مشروع و قانونی و شخصی و مستقیم باشد.

۱- موجود و محقق بودن: نفعی که به استناد آن دعوا اقامه می‌گردد باید به وجود آمده و باقی باشد، از این رو نفع احتمالی و یا نفع آینده نمی‌تواند مبنای ذی نفع بودن مدعی قرار بگیرد. همچنین است وضع دعوایی که خواسته آن